

مرد

ایران و آمریکا در آغاز

● آمریکا اگرچه جزئی از دنیای غرب بود، برای ایرانیان نشانه‌ای از دنیای جدید و متفاوت از قدرت‌های استعماری اروپا محسوب می‌شد. از همین‌رو ایالات متحده را به زبان ترکی عثمانی «ینگه دنیا» به معنای دنیای جدید می‌خواندند و بر مجهول‌بودن آن از سوی خود صحه می‌گذاشتند. در آن زمان ایران سرزمینی بود که با سابقه‌ای کهن در کشاکش رقابت روس و انگلیس گرفتار آمده بود اما جامعه آمریکا ناظری بی‌طرف در این نزاع نبود و آمریکایی‌های مقیم ایران نمادهایی برای حمایت از آزادی‌خواهان ایرانی بودند. باسکرویل، معلم مدرسه آمریکایی تبریز، در کنار مشروطه‌خواهان جان باخت و مورگان شوستر، مستشار مالیه، پس از بازگشت مشروطه در اصلاح امور مالی ایران کوشید. شوستر در این‌ راه با آنکه بیگانه بود نمادی برای اصلاح و استقلال ایرانیان شد. گزارش‌هایی که از این تلاش‌ها در روزنامه‌های ایالات متحده درج می‌شد، می‌توانست افکار عمومی این کشور را با جنبش آزادی‌خواهی ایرانیان در مقابله با روس و انگلیس همراه سازد. همچنان‌که حسن‌ظن ایرانیان را نسبت به آمریکاییان موجب می‌شد. اگر شاه‌عباس صفوی برای مقابله با پرتغالی‌ها و عثمانی‌ها دست اتحاد به‌سوی بریتانیای‌ها دراز کرد و فتحعلی‌شاه قاجار برای مقابله با روس‌ها، فرانسوی‌ها را نیروی سوم می‌دانست اما میرزا تقی‌خان امیرکبیر، صدراعظم اصلاحکار ناصرالدین شاه، آمریکا را در این قامت می‌دید. دو ملت ایران و آمریکا از مدت‌ها پیش و در زمان حکمرانی شاهان قاجار، نسبت به اخبار و مطالب همدیگر واکنش نشان می‌دادند. بخشی از این نگاه حاصل گفته‌های ایرانیانی است که به آمریکا سفر کرده یا در آنجا مقیم شده بودند. این افراد از رده رجال یا طبقات بالای اجتماع بوده و تمامی جامعه ایران را نمایندگی نمی‌کردند. با همه این احوال، آنچه از گفته‌های این افراد برداشت می‌شود، این است که ایران به آمریکا همچون یک فرصت می‌نگریسته است؛ فرصت ره‌اشدن از نظام قدیم بین‌الملل در حوزه‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ.

اولین سفیر ایالات متحده که در آن زمان به‌عنوان وزیرمختار «اتازونی» شناخته می‌شد، در دوره حاکمیت جمهوری‌خواهان از سوی برزیدنت چستر آلن آرتور (۱۸۸۶–۱۸۹۲) به ایران اعزام شد. اولین سفیر ایالت متحده، ساموئل گرین‌ویلر پنجابین، مطالعات شرق‌شناسی داشت و به محل مأموریت خود علاقه‌مند بود. او که سفر خود را به ایران با کشتی آغاز کرد در سال ۱۸۸۳ از طریق بندرانزلی وارد ایران شد و اولین سفارتخانه آمریکا در تهران را با آجاره بنایی در خیابان علاءالدوله (فردوسی فعلی) بنیان گذاشت. او بعدها تجربه دوران سفارتش را در کتاب ایران و ایرانیان منعکس کرد؛ تجربیاتی که نشان از نگاه مثبت او به ایران و تعامل وی با ایرانیان دارد. ناصرالدین شاه نیز اولین سفیر خود را سال‌ها بعد از ورود پنجابین به تهران روانه واشنگتن کرد؛ زمانی که پنجابین با تغییر رئیس‌جمهور در آمریکا به کشورش بازگشته بود. حسینقلی صدرالسلطنه، اولین سفیر ایران در ایالات متحده، پسر میرزا آقاخان نوری بود. میرزا آقاخان در اذهان خلفای ناشایست برای امیرکبیر شمرده می‌شود. صدرالسلطنه در سال ۱۸۸۸ رهسپار ینگه دنیا شد. او به جهت این مأموریت به «حاجی واشنگتن» معروف شده است.

ایرانیان از نگاه آمریکاییان

کتاب «ایرانیان از نگاه آمریکاییان» که به تازگی منتشر شده شامل گزیده‌هایی از جراید ایالات متحده در فاصله زمانی ۱۸۴۸ تا ۱۹۲۶ است که به ایران پرداخته و رویدادهای مرتبط آن را مخاره و تفسیر کرده‌اند. علیرضا ساعنتچیان، گردآورنده و مترجم این کتاب، با جست‌وجو در آرشیو مطبوعات سایت کتابخانه گنکره آمریکایی و گزینش مطالب مربوط ایران عصر قاجاری ترجمه آنها را انجام داده است و رضا مختاری اصفهانی، پژوهشگر تاریخ معاصر، نیز مقدمه‌ای بر کتاب نوشته است. ایران عصر قاجار در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه به صفحات اخبار و گزارش‌های این روزنامه‌ها راه یافته بود. نگاه روزنامه‌های آمریکایی به اخبار ایران متنوع بود. گاهی اخباری از وقایع سیاسی سرزمینی شرقی و گاهی اطلاعاتی از اقدام‌های اصلاحکارانه در این سرزمین بود. ادبیات و هنر سرزمین دور که دارای فرهنگ و تمدنی کهن‌سال بود، برای روزنامه‌نگاران ینگه دنیا به تیغ آن حتما برای خوانندگان جالب توجه بود. درمجموع می‌توان گفت آنچه در روزنامه‌های یکه دنیا دربار ایران عصر قاجاری منتشر می‌شد، نگاهی مثبت و همدلانه بود؛ نگاهی که منتقد سیاست‌های بریتانیا در قبال ایران بود و خشمونت روس‌ها را در دوره مشروطه تبیح می‌کرد. قطعی دوره جنگ جهانی اول در مطبوعات آمریکا جایگاهی ویژه داشت. بخشی از این نگاه هم به روایت آمریکایی‌هایی است که به ایران سفر کرده و خاطراتی از این سفر داشتند. کتاب حاضر تصویری از نگاه آمریکایی به جامعه ایرانی است که قطعات گوناگون و گاه نامتوازن از روزنامه‌ها و مجلات مختلف آمریکایی دارد. این قطعات در کنار هم و با چینی تاریخی روایتی جالب توجه از گذشته روابط ایران و آمریکا به دست می‌دهد.

گروه اندیشه: معمولاً دوران ریاست‌جمهوری در آمریکا به تناوب بین جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها دست‌به‌دست می‌شود، مگر در موارد استثنائی مثل دوره جنگ جهانی دوم که روزولت پیش از دو دوره رئیس‌جمهور بود یا دوره واترگیت که کار نیکسون نیمه‌تمام ماند و ترور کندی و یکی دو مورد دیگر مثل جانسون. ازجمله این موارد نادر جیمی کارتر است که فقط یک دوره رئیس‌جمهور آمریکا بود و اتفاقاً این دوره نیز هم‌زمان بود با یکی از مهم‌ترین انقلاب‌های قرن بیستم؛ انقلاب ایران. بی‌جهت نیست که کتاب‌ها و مقالات بسیاری درباره روابط ایران و آمریکا در این دوره و نقش کارتر در انقلاب ایران و بالعکس نوشته‌اند. برخی از این آثار سلاخی بوده‌اند علیه دولت‌های دموکراتی که در ایالات متحده روی کار آمده‌اند و برخی نیز ابزاری برای توجیه رفتار دموکرات‌ها در سیاست خارجه، عمده این کتاب‌ها بر شکست‌های کارتر دست گذاشته‌اند و به دنبال ارائه «یک جهان‌بینی لیبرال» علیه دموکرات‌ها بوده‌اند. اما توصیفی که از اتفاقات آن سال‌ها و در نتیجه

تبعید شاه می‌شود، حکایت از شکست سیاسی دارد که همچنان پژواک آن با دشواری‌های سیاسی آمریکا در خاورمیانه عجین است. در این سال‌ها اسناد تازه و از طبقه‌بندی خارج‌شده‌ای فاش شد که بنا بر آنها می‌توان رویدادهای دوران انقلاب را به‌گونه‌ای جدی و چه‌بسا هیجان‌انگیز و بدون سوگیری سیاسی بازگو کرد. ازجمله این روایت‌ها در می‌توان در کتاب «دولت کارتر و فروپاشی دودمان پهلوی» اثر خاویر گروو خواند که متخصص سیاست خارجه دوران کارتر و مدعی ارائه تحلیل جدیدی از آن زمان درباره سیاست خارجی ایران است. نویسنده می‌کوشد در پرتو منابع آرشیوی تازه پژوهشی جامع، بی‌طرفانه و منظم درباره تأثیر سیاست‌های کارتر در خلال انقلاب ایران ارائه کند. از این‌رو، می‌توان روایت این کتاب را دفاع از عملکرد دموکرات‌ها در برابر جمهوری‌خواهان دانست. با این حال، نمی‌توان از حجم منابع بسیار متنوعی گذشت که گروو در تحریر این کتاب استفاده کرده است.

سیاست خارجه خارج از برنامه

به روایت خاویر گروو، کارتر وقتی به ریاست‌جمهوری رسید که رای‌دهندگان آمریکایی تقریباً اعتماد خود را به مقامات منتخب از دست داده بودند. او این دوره را چنین توصیف می‌کند: این زمان نشانگر عصری بود که بسیاری از آمریکایی‌ها احساس می‌کردند به پایان خط رسیده‌اند و دیگر از آن قدرت و رفاه سابق که در دهه‌های پیشین لذتشی آچشیده بودند، خبری نیست و اعتماد کمی نسبت به آینده و دستاوردهای آن وجود داشت. به گفته نویسنده، کارتر هم خود را در این احساسات شریک می‌دانست، در اینکه آمریکا به پایان خط رسیده و تنش‌زدایی بهترین‌روش در روابط ایالات متحده با شوروی است. او معتقد بود مسکو شکست‌ناپذیر است و فقط باید مهار شود. به نظر کارتر آمریکا نمی‌توانست همه مشکلات را به‌تهدایی حل‌وفصل کند و با توجه به محدودیت‌هایی که کشورش با آن مواجه بود، بایستی متحدانی در اروپا، آمریکا لاتین و آسیا پیدا می‌کرد تا بتواند با بحران‌های

تاریخ

گزارشی از روابط ایران و آمریکا در آستانه انقلاب

کارت‌ر و انقلابی که پیش‌بینی نمی‌شد



کارتر در کنار جیمی کارتر و همسرش پاتسی در جریان دیدار با رهبران ایران در تهران

و نقش پررنگی در پیروزی او داشت. به همین جهت، به گفته گروو، گویا کارتر بنا بود برژینسکی را به‌عنوان وزیر امور خارجه منصوب کند ولی مخالفت شدید همکاری صرفاً نوعی عمل‌گرایی برای حل مشکل آمریکا نیست و باید شیوه‌ای مبتنی بر اخلاقیات سیاست خارجه را پیش ببرد. از این‌رو، یکی از اهداف اصلی کارتر این بوده که به دنیا نشان دهد آمریکا او با آمریکای نیکسون و کیسینجر فرق دارد و او می‌خواهد رویه‌های آنان را در جهان با سیاست خارجی خود متوقف کند. طبق روایت گروو، کارتر در مورد جنگ سرد طرفدار این عقیده بود که رویارویی جهانی باید جای خود را به وابستگی متقابل جهانی بدهد و از رقابت بین مسکو و واشنگتن کم شود.

بنابراین سیاست خارجه آمریکا باید بر مسائلی متمرکز باشد که منافع متقابل آن دو را تحت‌الشعاع قرار داده است. به باور نویسنده، کارتر حتی برای فهم نگرانی‌ها و دلواپسی‌های بیگانه علیه ایالات متحده مصمم بود بدون پیش‌داوری به صحنه جهانی نزدیک شود. گروو از این هم فراتر می‌رود و ادعا می‌کند کارتر تصمیم گرفت فرصتی را در اختیار دشمنان و معارضان ایالات متحده قرار دهد. به همین جهت کارتر، برخلاف کیسینجر و فورد که مایل

به پرداختن به مسائل جهانی نبودند، به این حوزه نزدیک می‌شد. نویسنده در روایت خود نشان می‌دهد سیاست خارجه کارتر خارج از برنامه جاری در آمریکا بود؛ چون حتی متحدان آمریکا هم از رویکرد کارتر در زمینه سیاست خارجه گیج شده بودند.

نویسنده ادعا‌های تاریخی جذابی در این کتاب مطرح می‌کند ازجمله درباره برژینسکی. برژینسکی، از مدافعان و حامیان سفت‌وسخت جنگ ویتنام، به دلیل تبار لهستانی‌اش در جنگ سرد به‌شدت علیه شوروی بود و کمک‌های بسیاری به کارتر در طول مبارزات انتخاباتی‌اش کرده بود



دولت کارتر و فروپاشی دودمان پهلوی
ترجمه: غلامرضا علی‌بابایی
ناشر: پارسه
چاپ اول: ۱۳۹۷
قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان

نامه‌های یک انقلاب

مخالفانش هم به شکل مسالمت‌آمیز و هم قهرآمیز با او مبارزه کردند. سال ۱۳۴۲ با بعد، با برقراری اختناق سیاسی کامل و جلوگیری از فعالیت شخصیت‌ها و احزاب سیاسی که در چارچوب قانون اساسی خواهان اصلاح و نوسازی سیاسی و مشارکت در فرایند سیاست‌گذاری کشور بودند، زمینه شکل‌گیری گروه‌های چریکی و مبارزه مسلحانه را در ایران فراهم کرد. اما در ۲۵ سال بعد عده‌ای از مخالفان همچنان کوشیدند با استناد به قانون اساسی مشروطه به او بقبولاند پادشاه مشروطه باشد و بر خلاف اصول ۴۴ و ۴۵ و ۶۴ متمم قانون اساسی در امور کشور مداخله نکند و در مقاطع گوناگون مخاطرات و معضلاتی را که تداوم خودکامگی برای ملت و کشور ایران در پی داشت، به او گوشزد کردند و ضرورت اصلاح و نوسازی سامان سیاسی را توضیح دادند. از اسفندماه ۱۳۵۳ به بعد، سیاست‌مداران مشروطه‌خواه، حقوق‌دانان و … با نوشتن نامه سرگشاده به شاه، به او هشدار دادند شیوه حکمرانی‌اش به بن‌بست رسیده و شاه را به اصلاح و نوسازی حکومت به نفع ملت و کشور فراخواندند. آنها خواهان اجرای قانون اساسی بودند و از شاه می‌خواستند سلطنت کنه حکومت، ولی شاه هیچ‌گاه هشدارها را نشنید و به راهکارها و توصیه‌های مخالفان توجهی نکرد. تا آن زمان جریان‌ها، شخصیت‌ها و گروه‌هایی که به طرق مسالمت‌آمیز برای تغییر حکومت شاه مبارزه می‌کردند کم نبودند. از سال ۱۳۵۳ به بعد که به‌تدریج بحران در جامعه ایران عمیق‌تر می‌شود، اول از همه خود دست‌اندرکاران حکومت شاه متوجه آن می‌شوند و تلاش می‌کنند از طریق پاره‌ای تغییرات در نظام سیاسی کشور بحران عدم مشروعیت را که به‌سرعت پیش می‌رفت، برطرف کنند.

اصلاح یا انقلاب

محمدحسین خسروپناه
ناشر: پیام امروز
چاپ اول: ۱۳۹۷
قیمت: ۵۲۰۰۰ تومان

مناطق راحت می‌شد. با رهنمودهای نیکسون و کیسینجر شاه «کارت سفیدی» داشت که می‌توانست بر اساس آن نیروهای مسلحی ایجاد کند که بتواند اهداف آمریکا را در منطقه و ایران برآورده کند.

اما دیری نپایید که ایران و شاه را متهم کردند که خرید این حجم از سخت‌افزارهای نظامی از آمریکا غیرمنطقی و متناسب با نیازهای کشور نیست، اما طبیعی بود که کیسینجر از این‌میزان خرید شاه دفاع و حتی او را تشویق می‌کرد که بیشتر بخرد. این ماجرا هم‌زمان شد با بحران‌های نفتی اوایل دهه ۱۹۷۰. استدلال کیسینجر جواب داده بود: او معتقد بود فروش عظیم جنگ‌افزارهای آمریکایی به ایران یکدیگر را متهم به سوءمدیریت کردند. سرانجام و نفت فراوان وارداتی این‌کشور به‌راحتی خرجه دلار را به‌گونه‌ای به حرکت درمی‌آورد که می‌تواند توازن دلار بین دو دولت را برقرار کند. این‌طور بود که قیمت دلار در اواسط دهه ۱۳۵۰ به پایین‌ترین میزان خود در ایران رسید. ولی ایران برای موازنه این‌پرداخت‌های خود

باید قیمت نفت را در بازار بالا می‌برد تا اشتباهی خرید اسلحه آمریکا و پتانگون را جبران کند. به گفته گروو، دور باطل زمانی آغاز شد که واشنگتن و تهران یکدیگر را متهم به سوءمدیریت کردند. سرانجام وقتی اقتصاد آمریکا از افزایش قیمت‌های نفت رنج می‌برد و از شاه به علت نگرش جنگ‌طلبانه‌اش کشور منصوب می‌کند. اهمیت برژینسکی در دستگاه سیاست خارجه کارتر در این بود که او را کیسینجر دموکرات‌ها می‌دانستند و اهمیت او در روایت گروو نیز برمی‌گردد به سیاست‌های او در قبال ایران. ازاین‌دست ادعا‌ها در کتاب کم نیست.

کارت‌ر با این سیاست خارجه و مشاوران ارشدش ازجمله برژینسکی با انقلاب ایران و قبل از آن با حکومت پهلوی و شخص شاه مواجه شد. نویسنده مدعی است کارتر سه خط‌مشی جدید مرکب از یک سیاست سه مرحله‌ای در پیش گرفت تا منافع آمریکا را تأمین کند؛ ۱) سعی کرد اصلاحاتی در رژیم شاه ایجاد کند؛ ۲) پس‌ازآنکه اصلاحات مخالفان را وادار به عقب‌نشینی کرد، کارتر کشتی طوفان‌زده شاه را نجات دهد؛ ۳) وقتی روشن شد که نمی‌تواند شاه را نجات دهد، بکوشد آن را با یک دولت میانه‌روتر جایگزین کند. در نظر گروو، کارتر بحران ایران را با انبوهی از اشتباهاتی مدیریت کرد که بیشتر از خودش سرچشمه می‌گرفت. او نتیجه سیاست کارتر در برابر ایران را سقوط شاه و ایران می‌داند که دیگر سدی در برابر منافع اتحاد جماهیر شوروی و توسعه‌طلبی آن برای آمریکا ایجاد نمی‌کرد. نویسنده ماجرا را تقریباً از آنجا آغاز می‌کند که شاه ژاندارم منطقه شد؛ طبق دکترین نیکسون شاه باید آن‌قدر جنگ‌افزار گران‌قیمت آمریکایی به زرادخانه خود سرساز می‌کرد تا بتواند از عهده ایفای این نقش برآید. اگر ایران نقش ژاندارمی منطقه را به‌خوبی ایفا می‌کرد، خیال آمریکا از بابت امنیت منطقه برای عدم درگیری در سایر

مرد

سنت و مدرنیته در دوران قاجار

● دوران قاجار سرآغاز بحث‌های مربوط به تضاد سنت و مدرنیته در جامعه ایران است که تاکنون بیشتر براساس مشاهدات سفرنامه‌نویسان انگلیسی -که در آن زمان با مردم و به ویژه دربار مراودات زیادی داشتند- و همچنین سفرنامه‌های ایرانیانی که به غرب سفر می‌کردند بررسی شده است. این دوران مصادف با اوج انقلاب صنعتی در اروپا بود و ایرانیان اولین‌بار با دستاوردهای مدرنیته آشنا شدند. بسیاری از دستاوردهای دنیای صنعتی مثل کارخانه‌های تولید انبوه، تولید برق، چاپخانه، تلگراف، تلفن، شهرسازی مدرن، راه‌سازی مدرن، خط‌آهن و… در دوره قاجار وارد ایران شد. اولین اقدامات در راستای مدرنیزاسیون با کوشش‌های عباس‌میرزا در تبریز آغاز شد، اما به علت مرگ ناهتمکام او متوقف شد و بعدها امیرکبیر این اقدامات را در تهران پی‌گرفت. اعزام اولین گروه از دانشجویان ایرانی به اروپا به‌منظور تحصیل در شاخه‌های پزشکی و مهندسی از سوی عباس‌میرزا انجام شد و اولین مدرسه مدرن در ایران، دارالفنون، در زمان صدارت امیرکبیر تأسیس شد. درباره تبعات ورود این عناصر جدید به زندگی مردم ایران و مناسبات جامعه‌شناختی دوره قاجار تاکنون پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. کتاب «سنت‌گرایی بازتابی؛ مبانی جامعه‌شناسی سیاسی ایران (عصر قاجار)» آخرین مورد از این نمونه پژوهش‌هاست. قصد اصلی نویسنده نشان‌دادن این نکته است که در این دوره مناسبات اجتماعی ایران برای تحول جامعه سنتی به جامعه مدنی منطبق با

سرمشق‌های غربی نبوده است. البته این کتاب، اثری تاریخی به معنای متعارف آن نیست بلکه کتابی در حوزه جامعه‌شناسی با استفاده از رویکرد منابع و روش جامعه‌شناسی تاریخی جدید است که در آن ادعا شده در جوامع سنتی خاورمیانه تعارضی بین سنت و مدرنیسم نیست، بلکه آنچه وجود دارد بازتابی بین سنت و سنت‌گرایی است. به عقیده نویسنده، تحول حقوقی انجام‌شده در آن دوران مناسبات با زایش عصر شهروند با حقوق و وظایف مشخص نبوده است و مردم کشور همچنان همان شاخص‌های حقوقی افراد مکلک و رعیت‌های موظف در جوامع ماقبل سرمایه‌داری را داشته‌اند. جامعه مدنی به‌منظور نمایندگی مصالح و منافع طبقات اجتماعی و درنهایت منافع عموم شکل نگرفت، در نتیجه زمینه جدایی دولت از جامعه فراهم نشد و جامعه جماعتی همچنان در قیومیت حوزه سیاسی و جلوه آن یعنی حاکم سیاسی مستبد باقی ماند. این مناسبات الزاماً به نوع دیگری از تحول انجامید که در این کتاب از آن با عنوان سنت‌گرایی بازتابی نام برده می‌شود. این تحولات زمینه‌ساز شکل‌گیری «هویت عمومی سنتی بازتابی» به جای «هویت عمومی شهروندی» در جوامع خاورمیانه از جمله ایران بود. منظور از سنت عناصر معرفتی، شناختی، فکری، فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بر شیوه تفکر، الگوی رفتاری، شیوه زندگی، تفکر سیاسی، اجتماعی، فلسفی و تاریخی است که تحت تأثیر فرهنگ، جامعه، سیاست و اقتصاد به‌ارامی تغییر می‌کند، بنابراین ویژگی بازتابی دارد. منظور از سنت‌گرایی بازتابی واکنش سنت در برابر خود است و بنابراین از نظر نویسنده ما در خاورمیانه تاکنون شاهد احیای سنت با پوشش مدرن بوده‌ایم.

سنت‌گرایی بازتابی (عصر قاجار)

این کتاب درصدد کشودن بایی در جامعه‌شناسی سیاسی کشورهای مسلمان خاورمیانه با ارجاع به سفرنامه‌های موجود است و از این نظر دیدگاهی جدید مطرح می‌کند. هدف از بررسی این سفرنامه‌ها، آشنایی با افکار اجتماعی و سیاسی ایرانیان مسافر غرب در قرن نوزدهم درباره کشور مقصد مسافر، درباره ایران و ایرانیان و ارزیابی آنها از خودشان است. ترتیب بررسی این سفرنامه‌ها، تاریخی تحلیلی است و هدف آن دنبال‌کردن تحول تفکر سیاسی و اجتماعی نویسندگان است. با مقایسه سفرنامه‌ها مشخص می‌شود که مسافران به‌تدریج به امکان تقلید از غرب بدبین می‌شوند و روحیه یأس در آنها تقویت می‌شود و حتی حسرت گذشته را می‌خورند. کتاب «سنت‌گرایی بازتابی؛ مبانی جامعه‌شناسی سیاسی ایران (عصر قاجار)» سه بخش و ۱۴ فصل دارد. بخش نخست این کتاب شامل فصل اول و دوم است که در فصل اول، مفاهیم اصلی سنت، بازتاب و سنت بازتابی توضیح داده شده است. فصل دوم شرحی تاریخی بر نخستین مواجهه با غرب و بسته‌شدن نطفه‌های اولیه تفکر سنت‌گرایی بازتابی است. بخش دوم این کتاب مطالعه‌ای تجربی با استفاده از سفرنامه‌هایی است که در قرن نوزدهم نگاشته شده و حاوی مطالبی‌اند که می‌توان به کمک آنها فرضیه‌های اصلی این نوشتار را تستیجید. بخش سوم، شامل سه فصل است و در قالب آن، زندگی و آثار سه نفر از منتقدان اجتماعی و سیاسی ایران در قرن نوزدهم بررسی می‌شود. محتوای آثار این افراد از سفرنامه‌ها متمایز است اما در زندگی و آثار این افراد نیز می‌توان همان جریان کلی ناامیدی و یأس را مشاهده کرد.